

## بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در قرآن

شهین شیخ سنگ تجن\*

### چکیده

فراگفتمان نگرشی جدید در تحلیل کلام است که در آن نویسنده به طرق مختلف به منظور تعامل با مخاطب حضور خود را در متن نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر به ارزیابی انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی از قبیل: فراگفتمانهای یقین‌نما، خوداظهاری، دخیل‌ساز، نگرش‌نما و تردیدنما بر اساس انگاره‌هایلند و تس (۲۰۰۴) در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن پرداخته‌ایم. دلیل انتخاب این سوره‌ها علاوه بر مفاهیم ارزنده و شگرف آیات، تأکید فراوان روایات اسلامی به قرائت مستمر آنهاست که خود نشان دهنده اهمیت والای این سه سوره در قرآن است. نتایج بررسی فراگفتمانها در سوره‌های فوق که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده، نشان داده است که اولاً طبقه‌بندی آیات این سه سوره فراتر از تقسیم‌بندی هایلند و تس (۲۰۰۴) است. ثانیاً تنها فراگفتمانهای یقین‌نما، خوداظهاری، دخیل‌ساز و نگرش‌نما با بسامدهای مختلف در سوره‌ها مشاهده شده‌اند، بطوریکه در سوره واقعه و الرحمن دخیل‌سازها و در سوره حشر، نگرش‌نماها از بسامد بالاتری برخوردار بوده‌اند. فراگفتمانهای تردیدنما در هیچ یک از سه سوره مشاهده نشده‌اند که نشانگر اطمینان، یقین و راستی کلام قرآن نسبت به هر نوع متن نوشتاری دیگر است.

**کلیدواژه‌ها:** واقعه، حشر، الرحمن، فراگفتمان تعاملی

\* استادیار، عضو هیأت علمی گروه زبانشناسی دانشگاه پیام نور، ایران، shsheikh226@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

واژه فراگفتمان (metadiscourse) نخستین بار توسط هریس (Harris, 1959) مطرح شد که به تلاشهای نویسنده یا گوینده برای درک مخاطبان از متن گفتار مربوط می‌شود. فراگفتمان به عنوان ابزار مهمی در جهت سهولت ارتباط، حمایت جایگاه نویسنده و ایجاد رابطه با مخاطب به کار می‌رود (Hyland, 2016). به عقیده کریسمور و همکاران (Crismore et al, 1993) فراگفتمان همان داده‌های زبانشناختی نوشتاری یا گفتاری متن هستند که گرچه به محتوای گزاره‌ای چیزی اضافه نمی‌کنند، به خواننده یا شنونده در تعبیر و ارزیابی اطلاعات داده شده، کمک می‌کنند.

سوره واقعه از سوره‌هایی است که در آن به وقایع روز قیامت اشاره شده است. این سوره نخست به ارائه برخی از حوادث روز قیامت؛ مانند تغییر وضعیت زمین، وقوع زلزله در آن و متلاشی شدن کوه‌ها می‌پردازد و در ادامه مردم را به سه گروه اصحاب یمین، اصحاب شمال و سابقون، طبقه‌بندی نموده است. محتوای سوره واقعه در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۹۵-۱۹۴) در هشت بخش خلاصه شده است: ۱. آغاز ظهور قیامت و حوادث سخت مقارن آن. ۲. گروه‌بندی انسانها در آن روز و تقسیمشان به «اصحاب الیمین» و «اصحاب الشمال» و «مقریین». ۳. بحث مشروحو از مقامات مقربین و انواع پادشاهای آنها در بهشت. ۴. بحث مشروحو درباره گروه دوم یعنی «اصحاب الیمین» و انواع مواهب الهی بر آنها. ۵. بحث قابل ملاحظه‌ای درباره «اصحاب الشمال» و مجازاتهای دردناک آنها در دوزخ. ۶. ذکر دلایل مختلفی درباره مسأله معاد از طریق بیان قدرت خداوند و خلقت انسان از نطفه ناچیز، تجلی حیات در گیاهان، نزول باران و فروغ آتش که نشانه‌هایی از توحید نیز محسوب می‌شود. ۷. ترسیمی از حالت احتضار و انتقال از این جهان به جهان دیگر که از مقدمات رستاخیز است. ۸. نظر اجمالی دیگری بر پاداش و کیفر مؤمنان و کافران.

سوره حشر به معنای جمع شدن و بیرون راندن قوم یهود از مدینه است. در این سوره به داستان یهودیان بنی نظیر اشاره شده است که به دلیل نقض پیمانی که با مسلمانان بسته بودند، محکوم به جلای وطن شدند. برخی از مفسران این سوره را در شش بخش خلاصه نموده‌اند: ۱. در بخش اول که تنها یک آیه است، از تسبیح و تنزیه عمومی همه موجودات در برابر پروردگار حکیم صحبت شده است. ۲. از آیات ۲ تا ۱۰ ماجرای درگیری مسلمانان با یهودیان پیمان‌شکن بازگو می‌شود. ۳. از آیات ۱۱ تا ۱۷ درباره منافقان مدینه است که با

یهودیان همکاری نزدیک داشته‌اند. ۴. این بخش شامل یک سری اندرزها و نصایح کلی به مسلمانان است. ۵. تنها مربوط به آیه ۲۱ است که در آن توصیف بلیغی از قرآن ارائه شده است و ۶. بخش مهمی از اوصاف جمال و جلال الهی و اسماء حسنی در سه آیه آخر آن ارائه شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۷۹).

سوره الرحمن بیانگر نعمتهای مختلف مادی و معنوی خداوند است که بر بندگان خویش نازل فرموده و از این رو نام سوره به معنای رحمت واسعه الهی است. این سوره را می‌توان به چند بخش خلاصه نمود: ۱. بخش مقدمه و آغاز سوره که از نعمت‌های بزرگ خلقت، تعلیم و تربیت، حساب و میزان، وسایل رفاهی انسان و غذاهای روحی و جسمی او سخن می‌گوید. ۲. در بخش دوم توضیحاتی درباره چگونگی آفرینش انسان و جن ارائه شده است. ۳. این بخش بیانگر نشانه‌ها و آیات پروردگار در زمین و آسمان است. ۴. در این بخش از نعمت‌های دنیوی فراتر رفته، از نعمت‌های بهشتی اعم از باغ‌ها، سرچشمه‌ها، میوه‌ها و انواع لباس‌ها یاد شده است. ۵. در انتها اشاره کوتاهی به سرنوشت مجرمان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۱-۹۲).

هدف از انجام پژوهش حاضر، ارزیابی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در آیات اعجاز آمیز قرآن است. شناخت و توجه به نشانگرهای فراگفتمان تعاملی سبب درک ارتباط بین آیات و نیز فهم عمیق‌تر مفاهیم قرآن کریم خواهد شد. بر اساس دیدگاه هایلند و وتس (Hyland & Tse, 2004) نویسنده به منظور تعامل با خواننده و برای ابراز نگرش خود و نیز جلب مشارکت خواننده از ابزارهای مختلف زبانی همچون تردیدنماها (Hedges)، یقین‌نماها (boosters)، خوداظهارها (Self-mentions)، نگرش‌نماها (attitude markers) و دخیل‌سازها (engagement markers) استفاده می‌کند.

در این پژوهش به ارزیابی ابزارهای زبانی هایلند و وتس (۲۰۰۴) با عنوان نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در آیات سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن پرداخته‌ایم و به دنبال پاسخ به پرسشهای زیر هستیم: ۱. توزیع انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن چگونه است؟ ۲. پربسامدترین و کم‌بسامدترین نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در این سوره‌ها کدامند؟ ۳. آیا نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به دست آمده در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن را می‌توان در چهارچوب انگاره هایلند و وتس (۲۰۰۴) گنجانند؟

هدف از انتخاب سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن اولاً تأکید روایات متعدد اسلامی در قرائت مستمر و روزانه آنهاست که نشانگر اهمیت والای این سوره‌هاست، ثانیاً به دلیل مفاهیم ارزنده آیات این سوره‌هاست که توجهی ژرف و تفکری دقیق می‌طلبد. در سوره واقعه به معاد و ویژگیهای قیامت اشاره شده، در سوره حشر به مسائل و مشکلات انسان و راههای مقابله با آن پرداخته و در سوره الرحمن به انواع نعمات مادی و معنوی اشاره شده است. از این رو می‌توان دریافت که در این سه سوره به همه جنبه‌های آفرینش و زندگی بشر اشاره شده است.

بررسی فراگفتمان‌های تعاملی در این سه سوره می‌تواند یاریگر مترجمان و مفسران در استنباط دقیق از متن قرآن کریم باشد. از سوی دیگر، از آنجایی که زبان قرآن، زبان وحی و عاری از هرگونه نقص و کاستی است و در عین حال الگو و الهام بخش دستور زبان بشر است، می‌توان آن را معیار مناسبی جهت ارزیابی هر انگاره یا نظریه زبانشناختی در نظر گرفت.

## ۲. پیشینه پژوهش

در مورد فراگفتمان پژوهشهای متعددی صورت گرفته که اکثر آنها به زبان انگلیسی است. در زیر به برخی از آنها اشاره شده است.

غضنفری و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی انواع فراگفتمان در مقالات انگلیسی دانشجویان مرد و زن بومی و غیر بومی پرداخته‌اند. رویکرد نظری پژوهش آنها انگاره هایلند و تس (۲۰۰۴) است. نتایج نشان داده است که متون علمی شامل تعداد زیادی از نشانگرهای فراگفتمان است. نویسندگان بومی انگلیسی زبان نسبت به نویسندگان غیر بومی از نشانگرهای فراگفتمان بیشتری در مقالات خود استفاده نموده‌اند که نشان می‌دهد نویسندگان غیر بومی ذخیره کافی از فراگفتمان‌های انگلیسی ندارند. همچنین یافته‌ها نشان داد که نویسندگان زن نسبت به مرد از فراگفتمان‌های تعاملی کمتری استفاده نمودند. بر این اساس جنسیت و پیشینه زبانی نویسندگان در بسامد کاربرد و نوع فراگفتمان موثر است. عبدی (۲۰۱۱) به بررسی فراگفتمانهای بینافردی در بخشهای مختلف مقالات پژوهشی علوم طبیعی و اجتماعی پرداخته است. بخشهای مورد تحقیق شامل مقدمه، روش تحقیق، نتایج و بحث بود. رویکرد نظری پژوهش وی بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) است. نتایج نشان داده است که نشانگرهای فراگفتمان به طور گسترده‌ای در متون و مقالات علمی به

کار رفته‌اند. در بخش مقدمه نشانگرهای شواهد کاربرد بیشتری داشته که به خواننده اطمینان می‌دهند، نویسنده از موضوع و پیشینه مورد بحث اطلاع کافی دارد. گذرها دومین بسامد بالا را در بخش مقدمه داشته‌اند. در بخش روش تحقیق نشانگرهای چارچوب ساز، شواهد و تأویل مرزها به کار رفته‌اند. در بخش نتایج که ۵۰ درصد نشانگرهای فراگفتمان را در برداشته، نشانگرهایی همچون شواهد، گذرها و تردیدنماها مشاهده شده‌اند.

طارمی و همکاران<sup>۱</sup> (۱۳۹۷) به مطالعه جنسیت در مقالات علمی فارسی زبان پرداخته و فراگفتمان‌های تعاملی را بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) بررسی کرده‌اند. در این تحقیق ۳۰ مقاله علمی-پژوهشی فارسی تک نویسنده که نیمی از مقالات به قلم زنان و نویسنده نیم دیگر، مردان بوده‌اند، بررسی شده است. نتایج نشان داده که در هر دو گروه بیشترین بسامد به یقین‌نماها تعلق دارد و کمترین بسامد در گروه مردان به دخیل‌سازها و در گروه زنان به خوداظهارها اختصاص یافته است. همچنین در هر دو گروه تفاوت معناداری میان توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی تردیدنماها، نگرش‌نماها و خوداظهارها وجود دارد؛ در حالیکه این تفاوت در توزیع فراوانی یقین‌نماها و دخیل‌سازها معنادار نیست.

قلی‌فامیان و کارگر (۱۳۹۲) بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) به تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبانشناسی ایران پرداخته‌اند. پیکره پژوهش آنها ۴۰ مقاله نقد کتاب از دو جنس منتقدان مرد و زن بوده است که در آنها فراوانی متغیرهای کلامی شامل: نگرش‌نماهای مثبت و منفی، تردیدنماها و یقین‌نماها بررسی شده است. نتایج نشان داده است که اولاً فراوانی نگرش‌نماهای منفی در کل پیکره بیشتر از دیگر متغیرهای کلامی است. ثانیاً نگرش‌نماهای منفی و یقین‌نماها در نقدهای مربوط به منتقدان مرد دو برابر متون مربوط به منتقدان زن بوده است.

جلیلیان<sup>۲</sup> (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد نقش‌نماهای فراگفتمانی در زبان فارسی و انگلیسی پرداخته است. رویکرد نظری پژوهش وی انگاره هایلند (۲۰۰۵) است. نتایج نشان داده است که نویسندگان مرد و زن ایرانی از میان ابزارهای فراگفتمانی به ترتیب از گذرها، شواهد، تأویل‌رمزها و تردیدنماها بیشتر استفاده کرده‌اند. دخیل‌سازها و خوداظهارها در این دو گروه از کمترین بسامد برخوردار بوده‌اند. در میان نویسندگان مرد و زن انگلیسی / آمریکایی گذرها، شواهد و تردیدنماها بیشترین بسامد و ارجاعات درون متنی و یقین‌نماها کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

قهرمانی مینا و بی‌ریا (۲۰۱۷) به بررسی نشانگرهای فراگفتمان تبادلی و تعاملی در بخش پایانی (بحث) مقالات علمی پزشکی و اجتماعی پرداخته‌اند. رویکرد نظری آنها انگارهٔ ۲۰۰۵ هایلند است. نتایج پژوهش آنها نشان داده است که نویسندگان مقالات اجتماعی بیشتر از نشانگرهای فراگفتمان تبادلی و نویسندگان مقالات پزشکی از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی استفاده کرده‌اند. در این میان گذرها، چارچوب‌سازها و شواهد در مقالات اجتماعی و تردیدنماها و یقین‌نماها در مقالات پزشکی از بسامد بالاتری برخوردار بوده‌اند. فراوانی ارجاعات درون‌متنی و تأویل رمزها در هر دو نوع مقالات تقریباً یکسان بوده، اما درصد کاربرد دخیل‌سازها در مقالات اجتماعی نسبت به پزشکی بیشتر ذکر شده است. همچنین اختلاف معناداری در فراوانی کاربرد نگرش‌نماها در هر دو گروه مشاهده نشده است.

بل گزگین (Bal-Gezegin, 2016) به بررسی فراگفتمانهای تعاملی در خلاصه کتابهای علمی در زبانهای ترکی و انگلیسی پرداخته است. در خلاصه کتاب نکات مثبت و منفی کتابها مورد ارزیابی قرار گرفته و به خوانندگان ارائه می‌شود. رویکرد نظری این تحقیق بر اساس انگارهٔ هایلند (۲۰۰۰) است. نتایج نشان داده است که کاربرد هر پنج فراگفتمان تعاملی؛ تردیدنما، یقین‌نما، نگرش‌نما، دخیل‌ساز و خوداظهار در خلاصه کتابهای انگلیسی بیشتر از ترکی بوده و به ویژه تفاوت عمده‌ای در کاربرد تردیدنماها در دو زبان مشاهده شده است.

وی و همکاران (Wei et al, 2016) به ارائهٔ تعریفی از فراگفتمان به ویژه انگارهٔ هایلند و مراحل توسعهٔ این نظریه در ۱۵ سال اخیر پرداخته‌اند. پژوهش آنها نشان داده است که بیشتر مطالعات فراگفتمان در متون علمی دانشگاهی همچون مقالات پژوهشی و بخشهای مختلف آن مانند: چکیده، مقدمه، بحث و نتیجه، انواع مختلف مقالات مانند مقالات تجربی و غیر تجربی، و نیز مقالات دانشجویان انجام شده است. فراگفتمان در بافتهای دیگر نیز از جمله؛ سخنرانی‌ها، روزنامه‌ها و تبلیغات مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داده است که فراگفتمان در نوشته‌های علمی بر اساس جوامع زبانی و فرهنگی متغیر است. همچنین مطالعه فراگفتمان به عنوان برآورده کردن نیازهای خواننده از سوی نویسنده و ایجاد تعامل در متن نوشتاری می‌تواند به ارائهٔ روشهای مناسبی جهت انتقال نگرش، مشخص نمودن ساختار و تعامل مناسب منجر شود.

آنچه پژوهش حاضر را از تحقیقات پیشین متمایز می‌کند، بررسی فراگفتمانهای تعاملی در آیات اعجاز آمیز قرآن است. متن قرآن سرشار از زیبایی‌های لفظی و معنایی است که هنرمندانه در چینش و آرایش کلام آن نمایان است و همواره سبب شگفتی محققان و قرآن پژوهان می‌شود. تفاوت عمده تحقیق حاضر با پژوهشهای قبل در آن است که با توجه به آیات قرآن که نویسنده آن آفریدگار زبان، خط و نگارش است، به ارزیابی نظریه هایلند و تس (۲۰۰۴) خواهیم پرداخت، نه آنکه همچون تحقیقات قبل متون نوشتاری را در چارچوب این نظریه بگنجانیم.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

فراگفتمان به تمهیداتی اطلاق می‌شود که نویسنده با به کارگیری آنها به سازماندهی متن پرداخته و نگرش خود را نسبت به محتوای متن و مخاطب عرضه می‌کند. فراگفتمان توانایی زبان‌شناختی است که به نحوه آرایش گفتمان یا انتقال دیدگاه نویسنده به متن و خواننده به کار می‌رود. هایلند (۱۹۹۸) فراگفتمان را به چتری تشبیه کرده که شامل آرایه‌های ناهمگنی از مشخصه‌های بینافردی است که به ارتباط متن به بافتش با هدایت خوانندگان به ارتباط، آرایش و تفسیر اطلاعات بر اساس سلیقه نویسنده و با توجه به ارزشهای جامعه گفتمانی خاص کمک می‌کند.

شفرن (Schiffirin, 1980: 231) نیز فراگفتمان را به عنوان ظهور بلاغت زبانی نویسنده در یک متن به منظور ترکیب آرایش کلام و استلزام بیانی از آنچه گفته شده، می‌داند. به اعتقاد هایلند و تس (۲۰۰۴) فراگفتمان دارای دو نقش اساسی متنی (textual) و بینافردی (interpersonal) است. در نوع متنی، کلام با مواردی همچون تغییر موضوع، نشان دادن توالی‌ها، ارجاع متقابل و عقاید مرتبط سازمان‌بندی می‌شود، در حالیکه در نوع بینافردی جنبه‌هایی از متن برجسته می‌شود و نگرش نویسنده با ابزارهایی همچون تردیدنماها، یقین‌نماها و خوداظهارها بیان می‌شود که همگی در جهت تعامل و تفهیم متن به کار می‌روند.

هایلند و تس (۲۰۰۴) انگاره جدیدی از فراگفتمان را در نوشته‌های علمی ارائه داده‌اند که بر سه اصل کلیدی استوار است: ۱. فراگفتمان از جنبه‌های گزاره‌ای کلام متمایز است ۲. واژه فراگفتمان به جنبه‌هایی از متن مربوط می‌شود که شامل تعامل بین نویسنده و خواننده است. ۳. فراگفتمان ارتباطات بیرونی متن را از ارتباطات درونی آن متمایز می‌کند.

بر اساس اصل اول، گفتمان یا کلام گزاره‌ای از کلام غیر گزاره‌ای متمایز است. به عقیده وندکاپل (Vande Kopple, 1985) فراگفتمان ماده زبانشناختی است که چیزی بر اطلاعات گزاره‌ای متن نمی‌افزاید، بلکه حضور نویسنده را نشان می‌دهد. به اعتقاد وی معنا دارای دو سطح مختلف است. در یک سطح اطلاعات اندیشگانی (Idiational) گسترش می‌یابد، در حالیکه در سطح فراگفتمان به کمک خوانندگان می‌پردازیم تا به ارتباط، سازمان‌بندی، تفسیر، ارزیابی و توسعه نگرشهای متن نائل شوند.

گزاره عمدتاً به افکار، شخصیتها و وضعیت موجود در جهان خارج از متن مربوط می‌شود. هالیدی (۱۹۹۴: ۷۰) معتقد است مواد گزاره‌ای همان اطلاعاتی هستند که می‌توان درباره‌شان اظهار استدلال، تأیید، انکار، تأسف، تردید، اصرار و تعدیل نمود. در حالیکه فراگفتمان به اعتقاد هایلند و تس (۲۰۰۴) به تفسیر هدف اطلاعاتی اصلی متن می‌پردازد تا اینکه آنرا به عنوان فرایند کاملی از ارتباط معنایی در نظر بگیرد.

بر اساس اصل دوم، فراگفتمان، بینافردی است زیرا سبب تعامل بین نویسنده و خواننده می‌شود. واژه بینافردی نخستین بار توسط هالیدی (۱۹۹۴) مطرح شد. وی با توجه به نقشهای ارتباطی زبان، سه نقش اندیشگانی، متنی و بینافردی را مطرح نموده است. نقش اندیشگانی به رمزگذاری تجربیات جهان خارج مربوط می‌شود. نقش متنی نشان می‌دهد که چگونه گزاره‌های مستقل و مجزا با یکدیگر پیوند یافته و تشکیل متنی منسجم و مرتبط به هم را می‌دهند، همچنین چگونه عناصر مجزا از گزاره‌ها با ارتباط با دیگر عناصر متن معنادار می‌شوند (وندکاپل، ۱۹۸۵: ۸۷). فراگفتمان بینافردی به اعتقاد وندکاپل (همان) کمک می‌کند تا هویت و واکنش خود را به محتوای گزاره‌ای متن ابراز کنیم و به توصیف همان تعاملی می‌پردازد که مایلیم با خوانندگانمان درباره محتوای متن داشته باشیم. به عقیده هایلند و تس (۲۰۰۴) همه فراگفتمانها بینافردی‌اند، زیرا دانش نویسنده یا گوینده، تجربیات و نیازهایشان را ارائه می‌دهند.

بر اساس اصل سوم ارتباط بیرونی متن از ارتباط درونی آن متفاوت است. ارتباط درونی، موقعیتهای توصیف شده به وسیله گزاره‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کند، در حالیکه ارتباط بیرونی به خود موقعیتهای مربوط است.



### ۱.۳ انگاره فراگفتمان هایلند و تس (۲۰۰۴)

فراگفتمان آگاهی نویسنده را از متن به عنوان کلام یا گفتمان نشان می‌دهد، همچنین نشانگر کاربرد زبانی نویسنده در متن است. هایلند و تس (۲۰۰۴) بر اساس دیدگاه تامسون (Thompson, 2001) فراگفتمان را به دو نوع تبادلی (interactive) و تعاملی (interactional) طبقه‌بندی نموده‌اند. فراگفتمان تبادلی به مدیریت نویسنده از جریان اطلاعات متن و بیان آن به منظور راهنمایی خواننده به کار می‌رود، این فراگفتمان در طول متن به خواننده کمک می‌کند. در حالیکه فراگفتمان تعاملی مداخله آشکار نویسنده را در اظهار نظر و ارزیابی اطلاعات متنی نشان می‌دهد و خواننده را وارد کلام می‌کند. هایلند و تس (۲۰۰۴) با توجه به کاربردهای مختلف هر فراگفتمان آنها را به اجزای کوچکتری طبقه‌بندی کرده‌اند. فراگفتمان تبادلی با تأکید بر محتوای کلام و با استفاده از برخی امکانات زبانی سبب می‌شود که نویسنده به مدیریت اطلاعات متنی بپردازد. گذرها (transitions)، چارچوب‌سازها (Frame markers)، ارجاع‌های درون‌متنی (Endophoric markers)، شواهد (evidential) و تأویل رمزها (Code glosses) از انواع مختلف این نوع فراگفتمان هستند. گذرها به ارائه ارتباط معنایی در میان جملات اصلی می‌پردازند. واژه‌هایی همچون «به‌علاوه، اما» نمونه‌هایی از این نوع فراگفتمان تبادلی‌اند. چارچوب‌سازها به کنش‌های گفتمان، توالی‌ها یا مراحل متن مربوط می‌شوند. مانند: بالاخره. ارجاع‌های درون‌متنی به بخشهای دیگر متن ارجاع می‌دهند. «شکل زیر را ببینید.» نمونه‌ای از این نوع فراگفتمان محسوب می‌شود. شواهد به منبع اطلاعاتی از متنهای دیگر ارجاع می‌دهند. مانند: «بر اساس...». تأویل رمزها به خواننده‌ها کمک می‌کنند تا عملکرد مواد اندیشگانی را به دست آورند. مانند: «یعنی...». این نوع فراگفتمان در جدول ۱ ملاحظه می‌شود.

جدول ۱- فراگفتمان تبادلی هایلند و تس (۲۰۰۴)

مقاله‌ها	کاربرد	مثال
گذرها	به ارائه ارتباط معنایی در میان جملات اصلی می‌پردازند	به‌علاوه، اما، و، پس
چارچوب‌سازها	به کنش‌های گفتمان، توالی‌ها یا مراحل متن مربوط می‌شوند.	بالاخره، در نتیجه، هدف این است
ارجاع‌های درون‌متنی	به بخشهای دیگر متن ارجاع می‌دهند.	در بخش ۲، شکل زیر را ببینید
شواهد	به منبع اطلاعاتی از متنهای دیگر ارجاع می‌دهند.	بر اساس...، ... معتقد است

تأویل رمزها	به خواننده‌ها کمک می‌کنند تا عملکرد مواد اندیشگانی را به دست آورند.	یعنی، برای مثال، مانند، به عبارت دیگر
-------------	---	---------------------------------------

فراگفتمان تعاملی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، شامل: تردیدنماها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها، دخیل‌سازها و خوداظهاریها است. جدول ۲ ترجمه فارسی این نوع فراگفتمان را بر اساس انگاره‌هایلند و تس (۲۰۰۴) نشان می‌دهد.

جدول ۲- فراگفتمان تعاملی انگاره‌هایلند و تس (۲۰۰۴)

مقوله‌ها	کاربرد	مثال
تردیدنما	از تعهد کامل نویسنده نسبت به محتوای گزاره‌ها جلوگیری می‌کند.	شاید، ممکن است، در حدود، احتمالاً
یقین‌نما	اطمینان و یقین نویسنده را در گزاره‌ها نشان می‌دهد.	در واقع، قطعاً، واضح است که
نگرش‌نما	نگرش نویسنده را در مورد گزاره‌ها بیان می‌کند.	متأسفانه، موافقم، در کمال تعجب
دخیل‌سازها	ارتباط با خواننده را نشان می‌دهد.	در نظر بگیرید، توجه کنید، ببینید
خوداظهاریها	به نویسنده ارجاع می‌دهد.	من، ما، معتقدم

بر اساس جدول فوق، **تردیدنماها** از تعهد کامل نویسنده در یک گزاره جلوگیری کرده و نشان می‌دهند که یک ادعا تنها بر اساس دلایل محتمل نویسنده ذکر شده نه بر اساس دانش معینی. این نشانگرها شک و تردید نویسنده را نسبت به درستی عبارات ذکر شده اعلام می‌کنند.

**یقین‌نماها** بالعکس، اطمینان نویسنده را در مورد آنچه می‌گوید، نشان می‌دهند. به عبارت دیگر یقین‌نماها قطعیت و یقین نویسنده را نسبت به وقوع عملی بازتاب می‌دهند. **نگرش‌نماها** بیان‌کننده احساسات و نگرش نویسنده نسبت به گزاره‌ها، رساندن تعجب، توافق، اهمیت و ناامیدی و هر احساس دیگری هستند که معمولاً با افعال بیان‌کننده نگرش، قیدها و صفات جمله مشخص می‌شوند.

**دخیل‌سازها** با کاربرد ضمائر شخصی مربوط به مخاطبان، جملات مستقیم امری، پرسش‌ها و ارجاعات دوم شخص نشان داده می‌شوند. نویسنده با کاربرد نشانگرهای دخیل ساز به طور مستقیم با خواننده به گفتگو می‌پردازد.

**خوداظهاریها** با ضمائر اول شخص و ضمائر ملکی ارائه می‌شوند که به اعتقاد ایوانیک (Ivanic, 1998) در فرایند نگارش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نمی‌توان از تأثیر نویسنده، ارتباط او با خواننده، استدلال و ترتیب و نظم نگارش صرف‌نظر کرد (هایلند، ۲۰۰۸).

#### ۴. تحلیل سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن

بر اساس انگاره‌های هیلند و تس (۲۰۰۴) به ارزیابی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به ترتیب در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن پرداخته‌ایم. در ترجمه هر یک از آیات از ترجمه‌های انصاریان و نیز فولادوند استفاده شده است زیرا در برخی از ترجمه‌ها معنای گسترده‌تری نسبت به معنای اصلی قرآن ذکر شده که مترجم آنها را در درون قلاب قرار داده است. در ترجمه آیات این مقاله سعی کرده‌ایم از ترجمه‌هایی که توضیح اضافی‌تری دارند صرف‌نظر کرده و ترجمه‌های متناظر با قرآن را بررسی نماییم. بر این اساس از میان این دو ترجمه، ترجمه‌ای ارائه شده است که از توضیحات درون قلاب کمتری استفاده کرده است.

#### ۱.۴ بررسی فراگفتمانهای تعاملی در سوره واقعه

سوره واقعه پنجاه و ششمین سوره قرآن است که مکی است و ۹۶ آیه دارد. این سوره چنان که از نامش پیداست، از قیامت و ویژگیهای آن سخن می‌گوید. در این سوره به طبقه‌بندی انسانها به سه دسته «پیشی‌گیرندگان»، «سعادت‌مندان» و «شقاوت‌مندان» در روز آخرت اشاره شده است. بیان قدرت خداوند، خلقت انسان، تجلی حیات در گیاهان و نزول باران از موارد دیگری هستند که در این سوره ذکر شده‌اند. در زیر به بررسی هر یک از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در آیات سوره واقعه پرداخته‌ایم.

نشانگرهای یقین‌نما با واژه‌هایی همچون «إِنَّ، لَ و لَقَدْ» همراه هستند و به معنای «بدرستیکه، قطعاً، بی‌تردید» اطمینان، یقین و تأکید آیات را نشان می‌دهند. این نشانگرها در آیات ۳۵، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۷۶، ۷۷ و ۹۵ مشاهده شده‌اند که در زیر به منظور اجتناب از اطاله کلام به برخی از آنها اشاره کرده‌ایم.

در آیه ۳۵: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً»، «أَنَا» به معنای «بدرستیکه» از نشانگرهای یقین‌نماست. در ترجمه انصاریان: «که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم». «أَنَا» به «که» ترجمه شده است. فولادوند نیز این واژه را ترجمه نکرده است؛ «ما آنان را پدید آورده‌ایم پدید آوردنی». در آیه ۴۷: «وَكَاؤُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ» ترجمه فولادوند: «و می‌گفتند آیا چون مُردیم و خاک و استخوان شدیم واقعا [باز] زنده می‌گردیم». انا به معنای «واقعا» است که نشاندهنده تأکید و یقین قرآن است.

در آیه ۵۰ «لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ»، «ل» نشانگر فراگفتمان یقین‌نماست. ترجمه فولادوند: «قطعاً همه در موعد روزی معلوم گرد آورده شوند».

آیه ۶۲: «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ» ترجمه فولادوند: «و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید»

آیه ۹۵: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ» ترجمه انصاریان: «[آنچه درباره این سه طایفه بیان شد]، بی‌تردید این است همان حق یقینی». بر این اساس در همه آیات ذکر شده واژه‌های «لقد» ، «ان» و «ل» نشان دهنده این نوع فراگفتمان هستند.

**نشانگرهای نگرش‌نما** بیانگر دیدگاه و نگرش قرآن در مورد موضوعات مختلف است. این نشانگرها در آیات ۲، ۱۱، ۲۳، ۵۵، ۵۶، ۷۵، ۷۶ و ۹۵ مشاهده شده‌اند که برای نمونه به برخی از آنها اشاره کرده‌ایم.

در آیه ۲: «لَيْسَ لَوْعَتِهَا كاذِبَةٌ» ترجمه فولادوند: «[که] در وقوع آن دروغی نیست». این آیه در میان آیه اول: «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ» و آیه سوم: «خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ» نشانگر نگرش قرآن مجید است که چنین واقعه‌ای را دروغ نمی‌داند.

در آیه ۱۱: «أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» ترجمه فولادوند: «اینان مقربان‌اند»، نگرش قرآن با واژه «اولئک» بیان شده است.

در آیه ۲۳: «كَأَمْثَالِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ» ترجمه انصاریان: «هم‌چون مروارید پنهان شده در صدف»، واژه «ک» این نوع فراگفتمان را نشان می‌دهد.

آیه ۵۵: «فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ»، ترجمه انصاریان: «مانند نوشیدن شترانی که به شدت تشنه‌اند». «شُرْبَ الْهَيْمِ» که نگرش قرآن درباره نوع نوشیدن را می‌رساند.

آیه ۵۶: «هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ»، ترجمه فولادوند: «این است پذیرایی آنان در روز جزا»، که با توجه به واژه هذا می‌توان به این نوع فراگفتمان پی برد.

در آیه ۷۵: «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ» ترجمه انصاریان: «پس به جایگاه ستارگان سوگند می‌خورم»، نیز به جهت بیان اهمیت قرآن که کتابی است مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی و در ادامه آن با توجه به ترجمه آیه بعد؛ آیه ۷۶: «وَأِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» ترجمه انصاریان: «اگر بدانید بی‌تردید این سوگندی بس بزرگ است» می‌توان فراگفتمان نگرش‌نما را دریافت.

بنابراین در مجموع، واژه‌هایی همچون: «ولئک» به معنای (اینان)، «ک» (مانند)، «هذا» (این است) و برخی از مفاهیم خود آیات که در نمونه‌های فوق به آنها اشاره شد، از نوع فراگفتمان نگرش‌نما محسوب می‌شوند.

**نشانگرهای دخیل‌ساز** شامل ضمائر دوم شخص، جملات امری و پرسشی هستند که با استفاده از آنها، قرآن به طور مستقیم با انسان به گفتگو می‌پردازد. در آیات ۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۱ و ۹۶ خداوند انسان را مخاطب خویش قرار داده و به طور مستقیم با او سخن می‌گوید. در زیر به برخی از این آیات اشاره کرده‌ایم.

در آیه ۷: «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً»، ترجمه انصاریان: «و شما سه گروه شوید»، آیه ۶۱: «عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ أَمْثَالِكُمْ وَتُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ» ترجمه فولادوند: «[و می‌توانیم] امثال شما را به جای شما قرار دهیم و شما را [به صورت] آنچه نمی‌دانید پدیدار گردانیم». در این آیات و آیات مشابه به مخاطب ارجاع داده شده است.

آیات ۷۴ و ۹۶: «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ»، ترجمه انصاریان: «پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.» و آیه ۹۱: «فَسَلِّمُوا لِكُلِّ مِّنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» ترجمه فولادوند: «از یاران راست بر تو سلام باد.» نمونه‌هایی از این نوع فراگفتمان تعاملی دخیل‌ساز هستند.

در آیات ۴۷، ۴۸، ۶۶ و ۶۷ بجای ضمائر و افعال دوم شخص که از نشانه‌های بارز نشانگرهای دخیل‌ساز هستند، از ضمائر اول شخص استفاده شده، این آیات، نقل قول مستقیم از جانب مخاطبان است و از دیدگاه آنها سخن می‌گوید. به عنوان نمونه آیه ۶۶: «إِنَّا لَمُعْرَمُونَ» ترجمه انصاریان: «[و می‌گویید:] مسلماً ما خسارت زده‌ایم» و ۶۷ «بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ» ترجمه فولادوند: «بلکه ما محروم شدگانیم»، این آیات هر چند به مفهوم نشانگرهای دخیل‌ساز نزدیکند، برخلاف دیدگاه هایلند و تس (۲۰۰۴) با ضمائر و افعال دوم شخص به کار نرفته‌اند.

**نشانگرهای خوداظهار** با ضمائر اول شخص و ضمائر ملکی ارائه می‌شوند. این نشانگرها در آیات ۳۵، ۳۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۵ و ۸۵ مشاهده می‌شوند. همانگونه که از مفاهیم این آیات استنباط می‌شود، خداوند به بیان قدرت و عظمت خود پرداخته و نعمتهای بیکرانیش را یادآور می‌شود. به عنوان مثال در آیه ۳۵: «إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنْسَاءً»، ترجمه انصاریان: «که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم».

آیه ۶۰: «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» ترجمه فولادوند: «ماایم که میان شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و بر ما سبقت نتوانید جست» و آیه ۸۵: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ» ترجمه انصاریان: «و ما به او از شما نزدیک‌تریم، ولی نمی‌بینید.» در این آیات کاربرد این نوع فراگفتمان ملاحظه می‌شود.

از میان انواع فراگفتمانهای تعاملی، فراگفتمان تردیدنما در هیچ یک از آیات سوره واقعه مشاهده نشده است زیرا ذات مقدس خداوند از هر تردیدی مبراست. آیات قرآن بر اساس دلایل عقلی و منطقی با قاطعیت و یقین بیان شده است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که از میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی هایلند و تس (۲۰۰۴) تنها نشانگرهای یقین‌نما، نگرش‌نما، دخیل‌ساز و خوداظهار در آیات سوره واقعه مشاهده شده‌اند که به ترتیب نشانگرهای دخیل‌ساز با ۲۸ آیه (۴۴.۴٪)، خوداظهار با ۱۴ آیه (۲۲.۳٪)، یقین‌نما با ۱۳ آیه (۲۰.۷٪) و نگرش‌نما با ۸ آیه (۱۲.۶٪) از بیشترین و کمترین فراوانی برخوردار هستند.

#### ۲.۴ بررسی فراگفتمانهای تعاملی در سوره حشر

سوره حشر پنجاه و نهمین سوره قرآن، مدنی و دارای ۲۴ آیه است. نام این سوره از آیه دوم آن گرفته شده که به معنای بیرون راندن قوم یهود از مدینه است و ارتباطی با حشر در قیامت ندارد. از آیات برجسته این سوره هفت آیه آخر آن است که پروردگار در آنها به بندگان خود دستور می‌دهد از طریق مراقبت نفس و محاسبه اعمال آماده دیدارش شوند و عظمت کلام خود را در قالب بیان ذات مقدسش و اسماء حسنی بیان می‌فرماید (موسوی همدانی، ۱۳۸۲). در زیر به بررسی هر یک از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در این سوره پرداخته‌ایم.

**نشانگرهای یقین‌نما** در آیات ۳، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۸ و ۲۱ مشاهده می‌شوند. نمونه‌هایی از این نوع فراگفتمان در زیر ارائه شده است.  
در آیه ۳: «وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبُوهُمْ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ»، ترجمه فولادوند: «و اگر خدا این جلای وطن را بر آنان مقرر نکرده بود قطعاً آنها را در دنیا عذاب می‌کرد و در آخرت [هم] عذاب آتش داشتند.» واژه قطعاً که ترجمه «ل» است، از نوع فراگفتمان یقین‌نماست.

آیه ۴: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»، ان نشان دهنده این نوع فراگفتمان است. ترجمه فولادوند: «این [عقوبت] برای آن بود که آنها با خدا و پیامبرش در افتادند و هر کس با خدا درافتد [بداند که] خدا سخت کیفر است». در ترجمه انصاریان نیز: «این [در به دری و تبعید] برای این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند، و هر کس با خدا دشمنی و مخالفت کند [بداند که] خدا سخت کیفر است» ان به [بداند که] ترجمه شده است.

در آیه ۱۰: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَكَأ تَجْعَلُ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»، ترجمه فولادوند: «و [نیز] کسانی که بعد از آنان [مهاجران و انصار] آمده‌اند [و] می‌گویند پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار، پروردگارا راستی که تو رؤوف و مهربانی»، «ان» به معنای «راستی که، به درستی که» نشان دهنده این نوع فراگفتمان است.

در آیه ۱۳: «لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» ترجمه فولادوند: «شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از خدا مایه هراسید چرا که آنان مردمانی‌اند که نمی‌فهمند» نیز این فراگفتمان به کار رفته است.

در آیه ۱۸: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانْتظِرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»، ترجمه انصاریان: «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید؛ و هر کسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است، و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که واژه‌های «ل» و «ان» در همه آنها تکرار شده و نشان دهنده فراگفتمان یقین‌نما است.

#### نشانگرهای نگرش‌نما در آیات ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۰،

۲۲، ۲۳، ۲۴ به کار رفته‌اند که در زیره نمونه‌هایی از آنها اشاره کرده‌ایم.

آیه ۴ نشان دهنده نگرش قرآن در مورد افرادی است که با خدا به دشمنی پرداخته‌اند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»، ترجمه انصاریان: «این [در به دری و تبعید] برای این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند، و هر کس با خدا دشمنی و مخالفت کند [بداند که] خدا سخت کیفر است».

در آیه ۸ به نگرش قرآن در مورد افرادی می‌پردازد که خواستار فضل خداوند هستند: «الْفُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ

اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْلِيكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»، ترجمه فولادوند: «[این غنایم نخست] اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می‌باشند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند اینان همان مردم درست‌کردارند».

آیه ۱۴: «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»، «[آنان به صورت] دسته جمعی جز در قریه‌هایی که دارای استحکاماتند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید جنگشان میان خودشان سخت است آنان را متحد می‌پنداری و [لی] دل‌هایشان پراکنده است زیرا آنان مردمانی‌اند که نمی‌اندیشند». این آیه نیز نشان‌دهنده نگرش قرآن در مورد افرادی است که دل‌هایشان پراکنده است.

آیات دیگر این سوره نیز به ارائه نگرش قرآن دربارهٔ کیفر ستمگران، عواقب فراموشی خداوند، پاداش رستگاران و صفات خداوند سبحان می‌پردازد که در اکثر آیات با واژه‌هایی همچون: ذلک بأنهم (این برای آن است)، اولئک (اینان)، واللہ یشہد (خداوند گواهی می‌دهد)، ولهم (و برای ایشان است)، تلک الامثال (این مثلها) و هو الذی (اوست خدایی) همراه است.

#### نشانگرهای دخیل‌ساز در آیات ۲، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ مشاهده می‌شوند.

در بخش پایانی آیه ۲: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»، ترجمه انصاریان: «پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت بگیرید»، به طور مستقیم به مخاطبان اشاره دارد و جزء فراگفتمان دخیل‌ساز است.

در آیه ۱۳: «لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» ترجمه فولادوند: «شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از خدا مایه هراسید چرا که آنان مردمانی‌اند که نمی‌فهمند».

آیات بعد نیز با نشانه‌های دیگری از این نوع فراگفتمان مشاهده می‌شوند. به عنوان نمونه در آیه ۵ فعل دوم شخص و در آیه‌های دیگر ضمیر دوم شخص مشاهده می‌شود. در آیات ۱۰ و ۱۶ نشانگرهای فراگفتمان به گونه‌ای دیگر ارائه شده‌اند. به عنوان نمونه، در آیه ۱۰ هم از ضمائر اول شخص و هم دوم شخص استفاده شده، اما برخلاف فراگفتمانهای مطرح شده از سوی هایلند و تس (۲۰۰۴) ضمائر اول شخص به مخاطب و دوم شخص به خداوند ارجاع داده می‌شوند. بر این اساس جزء نشانگرهای دخیل‌ساز و اظهارنما نیستند و دیدگاه هایلند و تس (۲۰۰۴) در مورد این نوع نشانگرها جوابگو نیست.



آیه ۱۰: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَاتَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»، ترجمه انصاریان: «و نیز کسانی که بعد از آنان [انصار و مهاجرین] آمدند در حالی که می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که به ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان نسبت به مؤمنان، خیانت و کینه قرار مده. پروردگارا! یقیناً تو رؤوف و مهربانی». در این آیه برخلاف طبقه‌بندی هالیدی و تس (۲۰۰۴) مرجع افعال و ضمائر اول شخص به انسان برمی‌گردد، درحالی‌که با توجه به نقش‌نمای اظهارنما باید به نویسنده اثر یعنی خداوند ارجاع داده می‌شد. همچنین بر اساس نقش‌نمای دخیل‌ساز نویسنده، مخاطبان خود را مورد خطاب قرار می‌دهد، درحالی‌که در این آیه انسان، خداوند را مخاطب خویش قرار داده است.

در آیه ۱۶: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»، ترجمه فولادوند: «چون حکایت شیطان که به انسان گفت کافر شو و چون [وی] کافر شد گفت من از تو بیزارم زیرا من از خدا پروردگار جهانیان می‌ترسم». مرجع فعلها و ضمائر اول شخص به شیطان برمی‌گردد و ضمائر دوم شخص به انسان برمی‌گردد که همچون آیه ۱۰ با نشانگرهای اظهارنما و دخیل‌ساز متفاوت است.

**نشانگرهای خوداظهار** که در آنها بر اساس انگاره هالیدی و تس (۲۰۰۴) ضمائر و افعال اول شخص به خداوند به عنوان تدوین‌گر قرآن ارجاع داده شود، در سوره حشر مشاهده نشده است.

**نشانگرهای تردیدنما** نیز آنگونه که هالیدی و تس (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند، در هیچ یک از آیات مشاهده نشده است زیرا ذات مقدس خداوند بر اساس بسیاری از آیات قرآن و حتی آیه‌های آخر سوره حشر از هر گونه شک و تردیدی میرا است.

در آیه ۲۲: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، ترجمه انصاریان: «اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، دانای نهان و آشکار است، او رحمان و رحیم است». خداوند بر هر چیزی چه پنهان و چه آشکار آگاهی کامل دارد و از هر عیب و نقصی منزّه است. بر این اساس در آیه ۲۱: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» ترجمه فولادوند: «اگر این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دید و این مثلها را برای مردم می‌زنیم باشد که آنان بیندیشند»، لعل گرچه در عربی به معنای «شاید» است، اما اکثر مترجمان همچون انصاریان، خرمشاهی، قمشاهی و

مکارم شیرازی این واژه را به «باشد که» یا «تا» ترجمه کرده‌اند زیرا استعمال کلماتی همچون «لَعَلَّ»، «لیت» و «عسی» در قرآن کریم بر اساس خصوصیت گوینده آن یعنی خداوند نیست، بلکه به فعل و عمل مخلوقات مربوط می‌شود. از این رو چنین واژه‌هایی را نمی‌توان بر اساس دیدگاه هایلند و تس (۲۰۰۴) به عنوان فراگفتمان تردیدنا در نظر گرفت.

با توجه به آیات فوق می‌توان نتیجه گرفت که از میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی هایلند و تس (۲۰۰۴) تنها نشانگرهای یقین‌نما، نگرش‌نما و دخیل‌ساز در آیات سوره حشر مشاهده شده‌اند که به ترتیب نشانگرهای نگرش‌نما با ۱۷ آیه (۵۱.۵٪) یقین‌نما با ۹ آیه (۲۷.۳٪) و دخیل‌ساز با ۷ آیه (۲۱.۲٪) از بیشترین و کمترین فراوانی برخوردار هستند.

#### ۳.۴ بررسی فراگفتمانهای تعاملی در سوره الرحمن

سوره الرحمن پنجاه و پنجمین سوره قرآن و دارای ۷۸ آیه است. نام این سوره که یکی از نام‌های الهی است، از کلمه آغازین آن، رحمان گرفته شده و بیانگر رحمت پروردگار بر همه موجودات جهان است. این سوره مجموعه‌ای از نعمت‌های خداوند در دنیا و آخرت را برمی‌شمرد و به برپایی قیامت و ویژگی‌های آن و چگونگی حسابرسی اعمال، اشاره نموده است. خداوند در این سوره پس از ذکر هر نعمتی، بندگان خود را با آیه: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ» پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟» مورد خطاب قرار می‌دهد.

در سوره الرحمن از مجموع ۷۸ آیه، ۳۷ آیه از نوع فراگفتمان دخیل‌نماست. این آیات عبارتند از: آیات ۸، ۹، ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۶۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷ و ۷۸ که به طور مستقیم انسان و جنیان را مورد خطاب قرار داده و از ضمائر و فعلهای دوم شخص استفاده نموده است که در این میان ۳۱ آیه، تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ» است.

تکرار کلمات یا برخی از آیات در قرآن غالباً برای تأکید مطلب و تقریر کلام و یا نشان دادن عظمت و اهمیت موضوع و جلب توجه مخاطب به مضامینی است که در آن سوره آمده است. به عبارت دیگر، هدف از تکرار جلب توجه شنونده به سوی موضوع یا مطلب

مورد نظر است. تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در سوره الرحمن نیز علاوه بر موارد فوق، اقرار گرفتن به نعمت‌های خداوند است.

در زیر به برخی از آیات این نوع فراگفتمان اشاره کرده‌ایم.

آیه ۸: «أَلَا تَطَّغَوْا فِي الْمِيزَانِ» ترجمه فولادوند: تا مبدا از اندازه درگذرید.

آیه ۹: «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» ترجمه فولادوند: «و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید».

آیه ۳۱: «سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ»، ترجمه فولادوند: «ای جن و انس! زودا که به شما بپردازیم».

آیه ۳۵ «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ»، ترجمه فولادوند: «بر سر شما شراره‌هایی از [نوع] تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد و [از کسی] یاری نتوانید طلبید».

آیه ۷۸: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، ترجمه فولادوند: «خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگوار».

از نشانگرهای فراگفتمان نگرش‌نما می‌توان به آیات ۱۴، ۲۴، ۲۹، ۲۶، ۲۷، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۵۰، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۶۶، ۶۸، ۷۰ اشاره نمود.

در آیه ۲۶ و ۲۷: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ»، «وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» ترجمه انصاریان: «همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می‌شوند»، «و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می‌ماند» نگرش قرآن درباره فانی بودن همه موجودات زمین بر اساس واژه «كُلُّ» و پایدار ماندن ذات مقدس خداوند را نشان می‌دهد.

در آیه ۳۷: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» ترجمه فولادوند: «پس آنگاه که آسمان از هم شکافتد و چون چرم گلگون گردد»، واژه «كَالدِّهَانِ» و در آیه ۳۹: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ» ترجمه فولادوند: «در آن روز هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود»، واژه «فَيَوْمَئِذٍ» نشان‌دهنده فراگفتمان نگرش‌نما هستند.

در آیه ۴۳: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ»، ترجمه انصاریان: «این همان دوزخی است که گنهکاران آن را دروغ می‌پنداشتند»، واژه «هذه» نشانگر این نوع فراگفتمان است.

در آیه ۵۸: «كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» ترجمه فولادوند: «گویی که آنها یاقوت و مرجانند» واژه «كَانَهُنَّ» نیز از همین فراگفتمان است. بر این اساس واژه‌هایی همچون «ك»، «هذه»، «كُلُّ»، «فِيهِمَا»، «فِيهِنَّ»، «فَيَوْمَئِذٍ» نشان‌دهنده فراگفتمان تعاملی نگرش‌نما هستند.

### نشانگرهای خوداظهار و یقین‌نما در آیات سوره الرحمن مشاهده نشده‌اند.

بر این اساس از میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی تنها نشانگرهای نگرش‌نما و دخیل‌ساز در آیات سوره الرحمن مشاهده شده‌اند که نشانگرهای دخیل‌ساز با ۳۷ آیه (۷۱٪) از بیشترین و نگرش‌نما با ۱۵ آیه (۲۹٪) از کمترین فراوانی برخوردار هستند.

## ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آیات سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن می‌توان بسامد هر یک از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی هایلند و تس (۲۰۰۴) را در جدول ۳ مشاهده نمود.

جدول ۳- نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن

فراگفتمان‌های تعاملی	دخیل‌سازها	نگرش‌نماها	یقین‌نماها	خوداظهارها	تردیدنماها
سوره واقعه	٪۴۴.۴	٪۱۲.۶	٪۲۰.۷	٪۲۲.۳	
سوره حشر	٪۲۱.۲	٪۵۱.۵	٪۲۷.۳		
سوره الرحمن	٪۷۱	٪۲۹			

بر اساس جدول فوق فراگفتمان‌های دخیل‌ساز و نگرش‌نما در سوره‌های واقعه، حشر و الرحمن مشاهده شده‌اند که نشانگر گفتگوی مستقیم قرآن با مخاطبان خود و بیانگر نگرش قرآن در مورد مفهوم برخی از آیه‌هاست. فراگفتمان دخیل‌ساز در سوره‌های واقعه و الرحمن از بیشترین بسامد و در سوره حشر از کمترین فراوانی برخوردار است. فراگفتمان نگرش‌نما در سوره حشر بیشترین فراوانی و در سوره واقعه کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. فراگفتمان یقین‌نما در سوره‌های واقعه و حشر از میانگین متوسطی برخوردار است و فراگفتمان خوداظهار تنها در سوره واقعه مشاهده شده است.

نشانگرهای تردیدنما در هیچ یک از سه سوره مشاهده نشده‌اند. بر این اساس می‌توان دریافت که مهمترین دلیلی که قرآن- سخن پروردگار- را از زبان آدمی متمایز می‌کند، اطمینان، یقین و درستی تردید ناپذیر کلام قرآن است. آیات قرآن بر اساس دلایل عقلی و منطقی با قاطعیت و یقین بیان شده است، به طوریکه به اعتقاد شاکر (۱۳۸۴) یقین در قرآن بر دو معنا دلالت دارد. در نوع اول یقین به معنای تصدیق است و در نوع دوم به معنای آرمش خاطر به کار رفته است. یقین در نوع اول با دریافت پیام آیات قرآن و تصدیق آنها همراه است. به عبارت دیگر انسان پس از شنیدن آیات، دلیلی برخلاف آنها نمی‌یابد و به

درستی و صدق آن یقین می‌یابد. در معنای دوم انسان با مشاهده حقایق قرآن به آرامش درونی دست می‌یابد. از این رو فراگفتمان تردیدنا را که نشان‌دهنده شک و تردید و عدم صحت کامل پیام است، تنها می‌توان در متون تدوین شده توسط انسان ملاحظه نمود. زیرا ذات مقدس خداوند از هر تردیدی مبرا است.

در سوره الرحمن تنها دو نشانگر فراگفتمان تعاملی مشاهده شده است که در آن میان، نشانگرهای دخیل ساز از بیشترین و نشانگرهای نگرش‌نما از کمترین فراوانی برخوردار بوده‌اند. نشانگرهای یقین‌نما در این سوره مشاهده نشده‌اند زیرا در بیشتر آیات سوره الرحمن به مفاهیم توصیفی همچون: نشانه‌ها و آیات پروردگار در زمین و آسمان، تعلیم و تربیت، حساب و میزان، چگونگی آفرینش انسان و جن، نعمت‌های بهشتی و سرنوشت مجرمان اشاره شده است. تکرار آیه «فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» نیز به منظور اقرار گرفتن به نعمت‌های خداوند بیان شده که نشان‌دهنده تأکید در کلام پروردگار است. بنابراین بجای کاربرد واژه‌هایی همچون «إِنَّ و لَ» که از نشانگرهای فراگفتمان یقین‌نما هستند و در معنای تأکید به کار می‌روند، آیه «فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» ۳۱ بار تکرار شده است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که اولاً از میان انواع فراگفتمانهای تعاملی هایلند تنها چهار نوع فراگفتمان تعاملی در سوره‌های قرآن ملاحظه می‌شود. ثانیاً کلام قرآن همچون متون بشری نیست که بتوان انواع فراگفتمانهای تعاملی را در آن مورد بررسی قرار داد، بلکه با توجه به مقتضیات هر سوره، تنها برخی از چهار نوع فراگفتمان هایلند و تس (۲۰۰۴) را می‌توان در آیات اعجاز آمیز آن مشاهده نمود.

از طرف دیگر برخی از آیات قرآن در چارچوب طبقه‌بندی هایلند و تس (۲۰۰۴) قرار نمی‌گیرند. نمونه‌هایی از این آیات در سوره‌های واقعه و حشر بیان شد. در این گونه از آیات صورت ظاهری آیه همچون نشانگرهای خوداظهار با ضمائر و افعال اول شخص بیان شده است، درحالی‌که مفهوم آن به دوم شخص و مخاطبان برمی‌گردد. همچنین برخی از آیات بیانگر افعال و ضمائر دوم شخص هستند، در حالی‌که گفتگو و راز و نیاز مخاطبان و ارجاع آنها به خداوند را نشان می‌دهند، از این رو بر اساس تعاریف و نشانه‌های فراگفتمان تعاملی هایلند و تس (۲۰۰۴) نمی‌توان این گونه از نشانگرها را جزء فراگفتمانهای خوداظهار یا دخیل ساز برشمرد. در نتیجه دیدگاه هایلند و تس (۲۰۰۴) در مورد این نوع نشانگرها پاسخگو نیست.

عدم ترجمه برخی از نشانگرهای فراگفتمان و نیز توضیحات طولانی در ترجمه برخی از آیات که معمولاً درون قلاب ذکر می‌شوند، سبب نقص در ترجمه خواهد شد. کار ترجمه جدا از تفسیر است و یکی از اساسی‌ترین اصول ترجمه قرآن عدم ارائه تفسیر آیات در هنگام ترجمه است. عدم ترجمه نشانگرهای فراگفتمان در برخی از آیات و به بیانی دیگر حذف این واژه‌ها در زبان مقصد (زبان فارسی) سبب از دست رفتن مفاهیم اصلی آیات خواهد شد. توالی و تکرار برخی از نشانگرها در آیات قرآن کریم به منظور خاصی بیان شده که نیاز به تأمل و دقت ویژه‌ای دارد. بر این اساس توجه به انواع نشانگرهای فراگفتمان و معانی آنها می‌تواند راهگشای مترجمان در ارائه ترجمه‌ای بی‌نقص باشد.

پژوهش حاضر تنها قطره کوچکی از اقیانوس بیکران شگفتی‌های کلام قرآن است که تنها برخی از فراگفتمانهای تعاملی را آشکار ساخت. ژرفا و عمق قرآن آن گونه است که هرچه قویترین اندیشه‌ها درباره آیات آن به کار افتد پایانی ندارد، زیرا نزول وحی الهی است و کلام خدا همچون ذات پاکش بی‌انتهاست.

### پی‌نوشت‌ها

۱. در مقاله حاضر به دلیل رعایت انسجام و عدم ارائه چندین معنا از یک واژه تخصصی از معادل‌های فارسی طارمی و همکاران (۱۳۹۷) استفاده شده است.
۲. جلیلیان در پایان‌نامه خود از معادل‌های فارسی دیگری برای انواع نشانگرهای فراگفتمان استفاده کرده است. وی بجای شواهد و تأویل رمز از استنادها و نقش‌نماهای توضیحی و بجای تردیدنماها، یقین‌نماها، دخیل‌سازها و خوداظهارها از واژه‌های: نقش‌نماهای احتیاطی، تأکیدی، مشارکتی و خودگونه‌ها استفاده نموده است.

### کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- جلیلیان، آذردهخت (۱۳۹۰)، تأثیر جنسیت بر کاربرد نقش‌نماهای فراگفتمانی در زبان فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۴)، «نگاهی نو به معناشناسی شک و یقین در قرآن». پژوهش دینی. شماره ۱۲. صص ۲۶۷-۲۸۴.

طارمی، طاهره. تاکی، گیتی. یوسفیان، پاکزاد. (۱۳۹۷). جنسیت در مقالات علمی فارسی زبان: مطالعه بیکره بنیاد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی بر اساس انگاره هایلند. نشریه پژوهشهای زبان‌شناسی. سال دهم، شماره اول، شماره ترتیبی ۱۸. صص ۴۲-۲۳.

قلی فامیان، علی‌رضا. کارگر، مریم. (۱۳۹۲). تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند. مجله پژوهشهای زبان‌شناسی. سال پنجم، شماره دوم، صص ۵۲-۳۷.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، جلد ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه

موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۸۲)، ترجمه تفسیر المیزان تألیف سید محمد حسین طباطبائی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- Abdi. R. (2011). Metadiscourse strategies in research articles: A study of differences across subjections. *The journal of teaching language skills (JTLS)*. 3(1). Ser 62/4.
- Bal-Gezegin, Betül.(2016). A corpus-based investigation of metadiscourse in Academic book reviews. *Procedia, social and behavioral sciences*, 232. P:713-718.
- Crismore, A.Makkanen, R, Steffensen. M. S.(1993). Metadiscourse in persuasive writing: A study of texts written by American and Finnish university students. *Written Communication*, 10(1), 39-71.
- Ghahremani Mina, K. Biria. R. (2017). Exploring interactive and interactional metadiscourse markers in discussion sections of social and medical science articles. *International Journal of research in English Education*. Vol.2, No.4.Pp:11-29.
- Ghazanfari, M. Barani, G. Rokhsari. S. (2018). An investigation into metadiscourse elements used by native vs. non-native university students across genders. *Iranian Journal of applied language studies*. Vol(10). No 1,pp:61-94.
- Halliday, M. (1994). *An introduction to functional grammar 2<sup>nd</sup> edition*. London: Edward Arnold.
- Harris, Z. (1959). The transformational Model of language structure. *Anthropological Linguistics*. 1:1.27-29.
- Hyland. Ken. (1998). Exploring corporate rhetoric: Metadiscourse in the CEO's letter. *Journal of business communication* 35/2: 224-45.
- Hyland. Ken. (2000). *Disciplinary discourses: Social Interactions in Academia Writing*. London: Longman.
- Hyland. Ken. (2008). Persuasion, Interaction and the Construction of Knowledge: representing Self and others in research writing. *International Journal of English Studies(IJES)*. Vol 8 (2): Pp: 1-23.
- Hyland. Ken. (2015). *Metadiscourse*. In Tracy, K. (ed). *International Encyclopedia of Language and Social interaction*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Hyland. K & Tse, Polly. (2004). Metadiscourse in Academic Writing: A reappraisal. Oxford University Press. *Applied Linguistics* 25/2: 156-177.

- Ivanic, R. (1998). *Writing and Identity. The discorsal construction of identity in academic writing*. Amsterdam: Ondon Benjamins.
- Shiffrin. D. (1980). Metatalk: Organizational and evaluative brackets in discourse. *Sociology Inquiry: Language and social Interaction*,50199-236.
- Thompson, G. 2001. Interaction in academic writing: Learning to argue with the reader. *Applied Linguistics*. 22/1: 58-78.
- Vande Kopple, W. (1985). Some exploratory discourse on metadiscourse: *College Composition and Communication* 36: 82-93.
- Wei. J, Li.Y, Zhou. T, Gong. Z. (2016). Studies on metadiscourse since the 3<sup>rd</sup> millennium. *Journal of education and practice*. Vol.7, No.9.